

Research Article

***A thematic study of spousal abuse and violence against women in
Semnan city***

Mehrnoosh Mortezaei¹

Received: 2023/01/10

Accepted: 2023/03/16

Abstract

Today, the rule of prohibition of double jeopardy as one of the principles and pillars of fair trial is not only considered in international documents, but also manifested in the domestic laws of countries and is considered a human rights standard, which as a supra-legal principle prevents governments from repeatedly prosecuting, trying and punishing the "same persons" for committing the "same crime" and "the same cause". The meaning of this rule is that no person can be prosecuted, tried and punished a second time for a charge that has previously been prosecuted and investigated in legal ways and resulted in a final verdict, whether conviction or acquittal. The rule of prohibition of double jeopardy in Iranian criminal law has always faced ups and downs, and the same approach to this rule is not seen before and after the revolution. In the Iranian penal system and in the Islamic Penal Code of 1392, the rule of prohibition of trial and double punishment has been recognized to a limited extent and only in non-specified ta'zir punishments. In Islamic jurisprudence, the requirements for adherence to a foreign judgment are in the light of principles and rules such as the prohibition of harming a believer, the prohibition of slandering religion, human dignity, the prohibition of oppression, the mercy of the Islamic government, the construction of rationality, and expediency.

Keywords: Women, abusive spouse and violence, Semnan, abusive spouse, Iran.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

¹ - Graduated from the Master's Degree in Criminal Law and Criminology, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقاله پژوهشی

بررسی موردی همسر آزاری و خشونت علیه زنان در شهر سمنان مهرنوش مرتضایی¹

چکیده

همسرآزاری و خشونت علیه زنان پدیده‌ای تاریخی است که در جوامع مختلف به شکل‌های گوناگون وجود داشته و در برخی جوامع تشدید شده است. محققان ریشه این مسئله را در عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می‌دانند که تأثیرات منفی زیادی بر خانواده، به ویژه فرزندان، دارد. این خشونت در محیط‌های خصوصی مانند خانه پدری، خانه شوهر و فضاهای عمومی با روش‌هایی مانند بی‌احترامی، تمسخر، ضرب و شتم و دیگر اشکال آزار اعمال می‌شود. رایج‌ترین انواع آن شامل خشونت کلامی، روانی، جنسی، فیزیکی و اقتصادی است. هدف این تحقیق بررسی موردی همسرآزاری و خشونت علیه زنان در شهر سمنان است. سؤال اصلی این است که چند درصد از زنان سمنانی که به دادگستری مراجعه کرده‌اند، قربانی خشونت بوده‌اند؟ همچنین، جایگاه استان سمنان از نظر شیوع و ویژگی‌های این پدیده بررسی می‌شود. سؤالات فرعی نیز شامل میزان تحقیر روحی و روانی زنان، تعاریف و ابعاد خشونت، نهادها و کنوانسیون‌های مرتبط، و نظریه‌های ارائه‌شده توسط محققان است. جامعه آماری تحقیق 270 زن سمنانی است که به دلیل تجربه خشونت به دادگاه مراجعه کرده‌اند. روش تحقیق ترکیبی از مطالعات پیشین، مشاهده میدانی، مراجعه به مراکز مرتبط و استفاده از پرسشنامه است. نمونه‌گیری به روش ساده انجام شده است، به طوری که همه افراد شانس برابر برای انتخاب دارند. بیشتر زنان شرکت‌کننده اعتیاد، فقر، بیکاری و فرهنگ پدرسالاری را عوامل اصلی خشونت عنوان کرده‌اند. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد متغیرهایی مانند سن ازدواج، تفاوت سنی زوجین، مدت زندگی مشترک، سطح اجتماعی، تحصیلات و شغل همسر، هنجارشکنی و ضعف اخلاقی همسر، موافقت زن با هنجارهای خشونت‌آمیز و تنش خانوادگی با خشونت خانوادگی رابطه معنادار دارند. این یافته‌ها اهمیت توجه به عوامل اجتماعی و فرهنگی در کاهش خشونت را نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: زنان، همسر آزاری و خشونت، سمنان، همسر آزاری، ایران.

¹ - فارغ التحصیل کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

همسرآزاری و خشونت خانوادگی موضوعی است که هنوز در بسیاری از کشورها به طور جدی مورد بررسی قرار نگرفته است. این پدیده تأثیرات مخربی بر فرد، خانواده و جامعه دارد و نمی‌توان آن را نادیده گرفت یا حل آن را صرفاً به خانواده‌ها واگذار کرد. خشونت خانوادگی نه تنها بر قربانی، بلکه بر اطرافیان و حتی افرادی که مستقیماً درگیر نیستند نیز تأثیر منفی می‌گذارد. فرزندان خانواده‌های خشونت‌آمیز اغلب با مشکلات روانی مانند اضطراب، افسردگی و عدم موفقیت تحصیلی مواجه می‌شوند و در آینده ممکن است در روابط عاطفی خود دچار افراط و تفریط شوند. خشونت علیه زنان علاوه بر ایجاد اختلال در روابط اجتماعی، منجر به کاهش بهره‌وری، افزایش هزینه‌های درمانی و ایجاد نیروی انسانی ناتوان می‌شود. زنان پس از کودکان، بیشترین آسیب‌پذیری را در برابر خشونت دارند و این مسئله در جوامع مختلف، از جمله ایران، به‌طور گسترده مشاهده می‌شود. آمارها نشان می‌دهند که ۶۶ درصد زنان ایرانی حداقل یک‌بار در زندگی مشترک خود خشونت را تجربه کرده‌اند. خشونت روانی با ۵۲ درصد، شایع‌ترین نوع خشونت است و اگرچه آثار جسمی ندارد، اما تأثیرات آن پایدارتر و عمیق‌تر است. خشونت خانوادگی در ابعاد مختلفی بروز می‌کند و تأثیرات آن از مشکلات روانی تا قتل و خودکشی گسترده است. در ایران، مراکز حمایتی مانند خانه‌های امن برای زنان خشونت‌دیده به‌اندازه کافی وجود ندارد و این مسئله نیاز به توجه جدی دارد. پژوهش‌های ملی در ایران نشان می‌دهند که خشونت علیه زنان یکی از معضلات جدی جامعه است و نیاز به ارائه راه‌حل‌های عملی برای پیشگیری و کاهش آن احساس می‌شود. هدف این تحقیق بررسی موردی خشونت علیه زنان در شهر سمنان و شناسایی ویژگی‌های خاص این پدیده در این منطقه است. با توجه به این مقدمه هدف اصلی تحقیق پیش رو بررسی موردی همسرآزاری و خشونت علیه زنان در شهر سمنان است. سؤال اصلی تحقیق حاضر این است که با توجه به فراگیر بودن مسئله همسرآزاری و خشونت علیه زنان در همه زمان‌ها و مکان‌ها استان سمنان از این نظر دارای چه جایگاهی است و مختصات و ویژگی‌های همسرآزاری و خشونت علیه زنان در سمنان دارای چه حدود و ثغوری هستند؟

رویکرد نظری

1- تئوری رفتار غریزی

تئوری رفتار غریزی، که با نام‌های زیگموند فروید و کنراد لورنز پیوند خورده است، بر این باور است که رفتار انسان تحت تأثیر نیروهای غریزی قدرتمند، به ویژه غریزه جنسی و پرخاشگری، شکل می‌گیرد. فروید انسان را موجودی مکانیکی می‌داند که توسط قوانین طبیعی و انرژی‌های درونی هدایت می‌شود. او دو غریزه اصلی را مطرح می‌کند: غریزه بقا، که به حفظ حیات و تکثیر انسان کمک می‌کند، و غریزه مرگ، که می‌تواند به صورت خودتخریبی یا پرخاشگری نسبت به دیگران ظاهر شود. فروید معتقد است که انرژی پرخاشگری می‌تواند از طریق فعالیت‌های مجاز اجتماعی مانند ورزش تخلیه شود. کنراد لورنز نیز مانند فروید بر این باور است که انسان‌ها دارای غریزه پرخاشگری هستند. او استدلال می‌کند که پرخاشگری یک غریزه موروثی است که در طول تکامل به دلیل سودمندی‌هایش توسعه یافته است. لورنز معتقد است که انرژی پرخاشگری در انسان‌ها به طور مداوم انباشته می‌شود و باید از طریق مسیرهای مجاز مانند رقابت‌های ورزشی تخلیه شود تا از بروز خشونت‌های نامناسب جلوگیری شود. او برخلاف فروید، تمایل به بقا و پرخاشگری را سازگار می‌داند. دسموند موریس، از پیروان این تئوری، پرخاشگری را صفتی غریزی در همه حیوانات، از جمله انسان، می‌داند. او ورزش را ابزاری مهارشده برای تجلی پرخاشگری می‌داند و معتقد است که خشونت

در ورزش‌های مدرن نتیجه سرکوب اجتماعی رفتارهای پرخاش‌جویانه در گذشته است. در مجموع، این نظریه‌ها بر این نکته تأکید دارند که پرخاشگری بخشی از طبیعت انسان است و باید از طریق روش‌های سالم و مجاز مانند ورزش تخلیه شود تا از بروز رفتارهای خشونت‌آمیز جلوگیری شود.

2- تئوری زیست‌شناختی اجتماعی

دیدگاه دیگری که در مجموعه تئوری‌های مربوط به رهیافت زیست‌شناختی جای می‌گیرد، دیدگاه زیست‌شناسان اجتماعی است. زیست‌شناسان اجتماعی با الهام از بحث‌های زیست تکاملی بر این باورند رفتارهایی که به افراد کمک می‌کند تا ژن‌های خود را به نسل‌های بعدی منتقل کنند، به تدریج در نوع انسانی رواج می‌یابند. از آنجا که پرخاشگری به بسیاری از افراد مذکر در انتخاب جفت کمک می‌کند، اصول انتخاب طبیعی در طول زمان به افزایش میزان پرخاشگری - حداقل بین مردان - کمک می‌کند. افزون بر این، زیست‌شناسان اجتماعی معتقدند به دلیل اینکه انسان در بستر انتخاب طبیعی تکامل می‌یابد، تمایلات نیرومند معطوف به رفتار پرخاشجویانه وی در این بستر قابل شناخت است؛ بنابراین، تمایلات مذکور بخشی از ماهیت وراثتی و زیستی وی به شمار می‌آیند (بارون و بایرن، 1994:437). در این دیدگاه، برخلاف رویکرد لورنز که به بقای فرد توجه داشت، به بقای ژنتیکی تأکید می‌شود. از آنجا که حداقل برخی از ژن‌های انسان می‌توانند از طریق تولید مثل موفقیت‌آمیز منتقل شوند، ژن‌های نهفته در رفتار که آسیب‌زا هستند در جریان تکامل و از طریق اختلاط و امتزاج ژنتیکی حذف می‌شوند (برم و کاسین، 1993: 359).

3- نظریه پالایش روانی

فروید و برخی از پیروان وی با طرح مفهوم پالایش روانی پرخاشگری مدعی شده‌اند که در بسیاری از موارد نیروی پرخاشگرانه در انسان به طریقی پالایش می‌شود. پالایش به مفهوم کاهش انگیزه پرخاشجویی است و از طریق ارتکاب کنش پرخاشجویانه یا مشاهده آن حاصل می‌شود (پیشین: 357). پیروان این دیدگاه بر این باورند که اگر انسان مجالی برای ابراز پرخاشگری نیابد، نیروی پرخاشجویانه انباشته شده و سرانجام به شکل همسر ازاری و خشونت مفرط یا بیماری روانی ظاهر می‌گردد. حداقل سه شیوه برای پالایش نیروی پرخاشگرانه از طرف پیروان این تئوری پیشنهاد شده است:

- 1- صرف انرژی پرخاشگرانه در فعالیت‌های بدنی مانند بازی‌های ورزشی، دویدن، جست و خیز، مشت‌زنی و نظایر آن.
- 2- پرداختن به پرخاشگری خیالی و غیر مخرب.
- 3- اعمال پرخاشگری، مستقیم حمله به فرد یا موضوع ناکام‌کننده، آزار و اذیت، ناسزا گفتن، صدمه زدن، تخریب و دیگر رفتارهای معطوف به ویرانگری (ارونسون 1369: 77).

4- دیدگاه‌های فیزیولوژیکی و بیولوژیکی

برخی از روان‌شناسان، روان‌شناسان اجتماعی و نیز پاره‌ای از رفتارشناسان تلاش کرده‌اند تا با استناد به عوامل فیزیولوژیکی و بیولوژیکی به ریشه‌یابی همسر ازاری و خشونت و پرخاشگری در رفتار انسان بپردازند. در این مورد، برخی از روان‌شناسان با تأکید بر پرخاشگرتر بودن مردان در مقایسه با زنان به تأثیر هورمون تستوسترون در مردان اشاره کرده‌اند. به زعم این پژوهشگران میزان بالای تستوسترون در خون به افزایش پرخاشگری در مردان می‌انجامد و برعکس، میزان پایین این ماده منجر به کاهش پرخاشگری می‌شود (گلیمان، 1995: 385 و 558). گروه

دیگری از روانشناسان و زیست‌شناسان با اشاره به ترکیب شیمیایی خون و تأثیر آن در پرخاشگری، اظهار داشته‌اند وجود برخی مواد مانند الکل و قند در خون بر پرخاشگری تأثیر می‌گذارند. به زعم این پژوهشگران، افزون بر بالا بودن میزان تستوسترون، پایین بودن میزان قند و بالا بودن میزان الکل در خون می‌تواند به افزایش کنش‌های پرخاشگریانه منجر شود (مایرز 1994: 225-6).

558 برخی دیگر از پژوهشگران به تأثیر نابهنجاری‌های کروموزومی در بروز پرخاشگری تأکید کرده‌اند. به باور آنان، برخی از مردان به جای ترکیب طبیعی یک کروموزوم X و یک کروموزوم Y، دارای یک کروموزوم X و دو کروموزوم Y هستند و همین امر این قبیل مردان را به پرخاشگری بیشتر متمایل می‌سازد (مک کیچی و دیگران، 1976، ص 142).

برخی دیگر از پژوهشگران نیز با چنین استنباطی و با استناد به عوامل ژنتیکی و وراثتی و نیز وجود برخی نیروهای عصبی در انسان، در جهت تبیین همسر آزاری و خشونت و پرخاشگری در رفتار انسان تلاش نموده‌اند (مایرز، همان، ص 245).

به اعتقاد بسیاری از منتقدان، پیروان دیدگاه‌های رفتار غریزی مانند فروید و لورنز از تفکر و استدلالی دوری استفاده می‌کنند. این نظریه‌پردازان ابتدا به مشاهده پرخاشگری به عنوان نوعی رفتار مشترک می‌پردازند، آنگاه بر اساس این واقعیت استدلال می‌کنند که چنین رفتاری باید برخاسته از انگیزش‌ها یا تمایلات جهان‌شمول باشد. در نهایت، نظریه‌پردازان مذکور برای تأیید وجود پرخاشگری به میزان بالای وقوع آن متوسل می‌شوند. این استدلال از نظر منطقی در معرض تردید قرار دارد (بارون و بایرن، 1994، ص 438).

به طور کلی، در نظریه‌های رفتار غریزی و دیدگاه زیست‌شناختی از یک‌سو نمی‌توان روش مناسبی برای آزمون تجربی گزاره‌ها فراهم ساخت و از دیگر سو شواهد تجربی اندکی برای تأیید آن‌ها وجود دارد. به عنوان مثال، پژوهش‌های انجام شده در مورد تأثیر الکل یا هورمون تستوسترون بر پرخاشگری شواهد استوار و قطعی نشان نداده‌اند و موارد نقض در این مورد بسیار بیشتر از موارد تأیید است. در نهایت باید اذعان نمود تئوری‌های رفتار غریزی عمدتاً به ماهیت پرخاشگری در فرد توجه دارند و تبیین روشنی درباره پرخاشگری‌ها و همسر آزاری و خشونت‌هایی که در قالب حرکات و کنش‌های جمعی انجام می‌شوند ارائه نداده‌اند. هرچند عوامل غریزی و زیست‌شناختی، فرایندهای شیمیایی و هورمونی و سیستم عصبی بر بروز پرخاشگری در سطح فردی تأثیر دارند.

روش پژوهش

1- جامعه آماری پژوهش

جامعه آماری تحقیق عبارت است از 270 نفر از زنان سمنانی‌ای که به دلیل همسر آزاری به دادگاه مراجعه کرده و قربانی همسر آزاری و خشونت شده‌اند.

2- نمونه پژوهش

در این تحقیق از روش نمونه‌گیری ساده استفاده می‌شود. در این روش انتخاب به‌گونه‌ای صورت می‌گیرد که کلیه افراد جامعه از فرصت برابر برای انتخاب شدن برخوردار بوده و انتخاب هر فرد مستقل از دیگران صورت می‌گیرد.

3- ابزار پژوهش

ابزارهای این پژوهش شامل تلفیقی از استفاده از تحقیقات انجام شده، مشاهده میدانی و مراجعه حضوری به مراکز مسئول رسیدگی به موارد همسر آزاری و همسر آزاری و خشونت علیه زنان و نیز استفاده از پرسشنامه‌های مرتبط است.

4- تعیین روایی و پایایی ابزار پژوهش

در این تحقیق برای تعیین پایایی تحقیق از ضریب آلفا کرونباخ استفاده شد. فرمول ضریب فوق به شرح زیر است:

$$\Sigma si^2/s^2 - r_a = j/j-1 \quad (1)$$

r_a = ضریب آلفا کرونباخ

j = تعداد بخش‌های آزمون یا تعداد بخش‌های پرسشنامه

si^2 = واریانس بخش‌های مختلف

s^2 = واریانس کل

$$78^2/157^2 = 1 - (6084/24649) = 0.75$$

ضریب آلفای به دست آمده 0.75 بود که در سطح $\alpha=0.01$ معنادار بوده و حاکی از اعتبار ابزار اندازه‌گیری است.

5- ابزار و روش گردآوری داده‌ها

به طور خلاصه فنون تحقیق برای جمع‌آوری داده‌ها عبارت‌اند از:

- اسناد: استفاده از مواد مکتوب به عنوان مبنای تحقیق
- مصاحبه‌ها: پرسش و بحث درباره موضوعات با افراد مورد نظر
- مشاهدات: جمع‌آوری داده‌ها از طریق تماشای شرکت کردن در فعالیت‌ها
- پرسشنامه‌ها: جمع‌آوری اطلاعات از طریق سؤالات مکتوب

فنون جمع‌آوری داده‌ها:

چهار فن یا روش اصلی برای تولید داده وجود دارند که عبارت‌اند از:

- اسناد، مصاحبه، مشاهده و پرسش‌نامه

در این پژوهش از پرسشنامه نیمه استاندارد شده استفاده شد. این پرسشنامه شامل دو قسمت اطلاعات بود:

- 1- اطلاعات عمومی مانند شکل ازدواج فرد، روند شکل‌گیری همسر آزاری و خشونت علیه زن، میزان دلایل همسر آزاری و خشونت و مهم‌ترین راه‌حل همسر آزاری و خشونت علیه زنان، 2- در قسمت دیگر پرسشنامه سؤالات فرضیات تحقیق به صورت شاخص‌سازی ارائه شد.

6- مکان و زمان انجام پژوهش

پژوهش حاضر در شهر سمنان انجام می‌گردد و زنان آزار دیده و متاثر از خشونت مردان جامعه اماری تحقیق را شامل می‌شوند.

7- روش تحلیل داده‌ها

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. در سطح توصیفی به تشریح فراوانی و درصد و کشیدن نمودار و در سطح تبیینی از آماره کای اسکوتر برای تعیین سطح معناداری و از رگرسیون لجستیک برای تعیین برآورد احتمال همسر آزاری و خشونت علیه زنان استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

الف- تجزیه و تحلیل توصیفی اطلاعات

جدول 1. توزیع زنان مورد بررسی برحسب محل سکونت (تعداد، درصد)

محل سکونت	تعداد	درصد
شهر	188	69/6
روستا	82	30/4
جمع	270	100

داده‌های جدول نشان می‌دهد بیشترین تعداد همسر آزاری با 69/6 درصد به مناطق شهری 30/4 درصد آن‌ها به مناطق روستایی تعلق داشتند.

جدول 2. توزیع زنان مورد بررسی برحسب سن (تعداد، درصد)

سن	تعداد	درصد
15-25 سال	67	24/8
25-35 سال	125	46/3
35 سال و بالاتر	78	28/9
کل	270	100

داده‌های جدول نشان می‌دهد، 24/8 درصد زنان مورد بررسی دارای سن 15-25 سال، 46/3 درصد سن 25-35 و 28/9 درصد دارای سن 35 سال و بالاتر بودند.

جدول 3. توزیع زنان مورد بررسی برحسب میزان تحصیلات (تعداد، درصد)

سطح تحصیلات	تعداد	درصد
بی‌سواد	5	1/9
خواندن و نوشتن	41	15/2
زیر دیپلم	80	29/6
دیپلم	110	40/7
فوق دیپلم و لیسانس	34	12/6
کل	270	100

داده‌های جدول نشان می‌دهد، 40/7 درصد زنان مورد بررسی دارای مدرک دیپلم 29/6 درصد دارای مدرک زیر دیپلم و 15 درصد سواد خواندن و نوشتن و تنها 12 درصد دارای مدرک فوق دیپلم و لیسانس بودند.

جدول 4. توزیع زنان مورد بررسی برحسب تعداد فرزندان

تعداد فرزندان وضعیت فرد	یک فرزند	دو فرزند	سه فرزند	چهار فرزند	پنج فرزند و بیشتر	بدون فرزند	کل
دارای تجربه همسر آزاری و خشونت	28 %10/4	54 %20	17 %6/3	5 %1/8	44 %16/2	122 %45/2	270 %100

نداشتن تجربه خشونت و آزار	28	123	17	29	65	8	270
	%10/4	%45/6	%6/3	%10/7	%24	%2/9	%100
کل	56	177	34	34	174	130	540
	%10/4	%32/8	%6/3	%6/3	%32/2	%24	%100

داده‌های جدول نشان می‌دهد بیشترین تعداد زنان مورد بررسی با 45/2 درصد بدون فرزند و 46 درصد زنانی که تجربه همسر ازاری و خشونت ندارند دارای دو فرزند بوده‌اند.

جدول 5. توزیع زنان مورد بررسی برحسب نوع همسر ازاری و خشونت فیزیکی وارد شده (تعداد، درصد)

نوع همسر ازاری و خشونت	تعداد	درصد
روانی	111	42/4
جسمی	53	20/2
رفتاری و کلامی	44	16/8
جنسی	35	13/4
مالی	19	7/3
جمع	262	100

بدون جواب: 8

داده‌های نشان می‌دهد بیشترین تعداد زنان مورد بررسی به ترتیب از روانی، جسمی، رفتاری و کلامی و جنسی و مالی را بارزترین نوع همسر ازاری و خشونت وارد شده بیان نمودند.

جدول 6. توزیع زنان مورد بررسی برحسب بیان علت همسر ازاری و خشونت (تعداد، درصد)

علت	تعداد	درصد
اعتیاد	95	35/2
بیکاری و فقر	62	23
مردسالاری	46	17
بدبینی و بدگمانی	23	8/5
یادگیری همسر ازاری و خشونت در خانواده پدری	19	7
به خاطر بچه‌دار نشدن	9	3/3
بیماری عصبی و وسواس	4	1/5
دخالت خانواده طرفین	4	1/5
بی‌دینی و بی‌ایمانی همسر	4	1/5
چند همسری	4	1/5
کل	270	100

داده‌های جدول نشان می‌دهد بیشترین تعداد زنان مورد بررسی با درصدهای 35/2، 23 و 17 درصد عمده‌ترین علت‌های همسر آزاری و خشونت را اعتیاد، فقر و بیکاری و وجود فرهنگ مردسالاری در خانواده‌ها دانستند.

جدول 7. توزیع زنان مورد بررسی برحسب بیان راه‌حل کاهش همسر آزاری و خشونت (تعداد، درصد)

راه‌حل	تعداد	درصد
مراجعه به مرکز مشاوره و استفاده از نصایح آن‌ها	85	31/5
عدم ازدواج اجباری	79	29/3
تقویت ایمان	34	12/6
آموزش صحیح خانواده به رعایت حقوق یکدیگر	31	11/5
رسیدگی محاکمات قضایی و دستگاه‌های اجرایی به مسئله اعتیاد	23	8/5
رعایت بیشتر حقوق زنان از طرف قضات	18	6/7
کل	270	100

همان‌طور که اطلاعات جدول نشان می‌دهد، بیشترین تعداد زنان مورد بررسی بهترین راه‌حل کاهش همسر آزاری و خشونت را مراجعه به مرکز مشاوره خانواده‌هایی که دارای اختلاف‌نظر با یکدیگر هستند، دانستند، بعد از آن راه‌حل‌های اجباری نبودن ازدواج، تقویت ایمان و آموزش صحیح به خانواده‌ها برای رعایت حقوق یکدیگر دانستند.

ب- تجزیه و تحلیل تبیینی اطلاعات

جدول 8. توزیع جامعه نمونه برحسب وضعیت فرد به تفکیک نوع فعالیت

نوع فعالیت وضعیت فرد	شاغل	محصل و دانشجو	خانه‌دار	کل
زنان دارای تجربه همسر آزاری و خشونت	44 16/3%	54 20%	172 63/7%	270 100%
زنان فاقد تجربه همسر آزاری و خشونت	22 8/1%	51 18/9%	197 73%	270 100%
کل	66 19/6%	105 19/4%	369 68/3%	540 100%

$$X^2 = 16/3 \text{ DF} = 3 \text{ SIG} = 0/001$$

داده‌های جدول نشان می‌دهد، در حالی که 16/3 درصد زنان مورد بررسی شاغل بودند این درصد برای زنان فاقد تجربه همسر آزاری و خشونت 8/1 درصد و در حالی که 63/7 درصد زنان مورد بررسی خانه‌دار بودند این درصد برای زنان فاقد تجربه همسر آزاری و خشونت 73 درصد بود. درمجموع تجزیه و تحلیل آماره کای اسکوئر، رابطه بین دو متغیر را با درجه آزادی 3 و مقدار 16/3 با بیش از 99 درصد اطمینان معنادار نشان داد.

جدول 9. توزیع جامعه نمونه برحسب وضعیت فرد به تفکیک سطح پایگاه اقتصادی - اجتماعی

سطح پایگاه وضعیت فرد	پایین	متوسط پایین	متوسط بالا	بالا	کل
زنان دارای تجربه همسر ازاری و خشونت	119 %44/1	73 %27	53 %19/6	25 %9/3	270 %100
زنان فاقد تجربه همسر ازاری و خشونت	30 %11/1	57 %21/1	114 %42/2	69 %25/6	270 %100
کل	149 %27/6	130 %24/1	167 %30/9	94 %17/4	540 %100

$$X^2 = 98 \text{ DF}=3 \text{ SIG}=0/000$$

داده‌های جدول نشان می‌دهد در سطح پایین پایگاه اجتماعی در حالی که 44 درصد زنان مورد بررسی قرار می‌گیرند این درصد برای زنان فاقد تجربه همسر ازاری و خشونت 11 درصد بود. در حد بالا پایگاه، 9 درصد زنان مورد بررسی و 25 درصد زنان فاقد تجربه همسر ازاری و خشونت قرار گرفتند. همچنین تجزیه و تحلیل آماری، رابطه بین دو متغیر را با مقدار 98 و درجه آزادی 3 در سطح اطمینان بیش از 99 درصد معنادار نشان داد. یعنی می‌توان گفت با اطمینان بیش از 99 درصد بین سطح پایین پایگاه افراد و اعمال همسر ازاری و خشونت بر آن‌ها رابطه وجود داشت.

جدول 10. توزیع جامعه نمونه برحسب وضعیت فرد به تفکیک سن ازدواج

سن ازدواج وضعیت	زیر 15	15-20	20-25	25-30	بالا تر از 30	کل
دارای تجربه همسر ازاری و خشونت	72 %26/7	103 %38/1	68 %25/2	11 %1/4	16 %5/9	270 %100
فاقد تجربه همسر ازاری و خشونت	6 %2/2	62 %23	133 %49/3	64 %23/7	5 %1/9	270 %100
کل	78 %14/4	165 %30/6	201 %37/2	75 %13/9	21 %3/9	540 %100

$$X^2 = 130/2 \text{ DF}=4 \text{ SIG}=0/000$$

داده‌های جدول نشان می‌دهد بیشترین تعداد زنان مورد بررسی با 38 و 26 درصد در سنین زیر 15 و 15-20 سالگی و بیشترین تعداد زنان فاقد تجربه همسر ازاری و خشونت با 49 درصد در سن 20-25 سالگی اقدام به ازدواج نموده‌اند. همین داده‌ها نشان می‌دهد در حالی که 5/9 درصد زنان مورد بررسی بالاتر از 30 سال ازدواج نموده‌اند این درصد برای زنان فاقد تجربه همسر ازاری و خشونت تنها 1/9 درصد بود. کای اسکوتر محاسبه شده نیز نشان می‌دهد رابطه بین دو متغیر با مقدار 130/2 و درجه آزادی 4 در سطح بیش از 99 درصد معنا دار است.

جدول 11. توزیع جامعه نمونه برحسب وضعیت فرد به تفکیک تفاوت سنی زوجین

تفاوت سنی وضعیت فرد	زیر یک سال	یک تا دو سال	سه تا پنج سال	پنج تا ده سال	ده سال و بیشتر	کل
------------------------	---------------	-----------------	------------------	------------------	-------------------	----

270 %100	66 %24/4	108 %40	35 %40	19 %7	42 %15/6	دارای تجربه همسر ازاری و خشونت
270 %100	-	32 %11/9	112 %41/5	87 %32/2	39 %14/4	فاقد تجربه همسر ازاری و خشونت
540 %100	66 %12/2	140 %25/9	147 %27/2	106 %19/6	81 %15	کل

$$X^2 = 191/3 \text{ DF}=4 \text{ SIG}=0/000$$

داده‌های جدول نشان می‌دهد 15/6 درصد زنان مورد بررسی کمتر از یک سال با یکدیگر اختلاف سنی داشتند این درصد برای زنان فاقد تجربه همسر ازاری و خشونت 14 درصد بود. همچنین در تفاوت سنی پنج تا ده سال و بیشتر به ترتیب درصد گروه کتک خورده 40 و 24 درصد بود. در گزینه ده سال و بیشتر به زنان فاقد تجربه همسر ازاری و خشونت درصدی تعلق نگرفت و درصد آن‌ها از گزینه پنج تا ده سال نیز تنها 11 درصد بود همین تجزیه و تحلیل آماری نشان داد، رابطه بین دو متغیر با مقدار 191/3 و درجه آزادی 4 در سطح بیش از 99 درصد اطمینان معنا دار بود.

جدول 12. توزیع جامعه نمونه بر حسب وضعیت فرد به تفکیک میزان تحصیلات همسر

تجربه همسر ازاری و خشونت	بی سواد	خواندن و نوشتن	زیر دیپلم	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس و بالاتر	کل
دارای تجربه همسر ازاری و خشونت	5 %1/9	35 %13	65 %20/7	100 %37	69 %25/6	5 %1/9	270 100 %
فاقد تجربه همسر ازاری و خشونت	1 %0/4	10 %3/7	37 %13/7	87 %32/2	108 %40	27 %10	270 100 %
کل	6 %1/1	45 %8/3	93 %17/2	187 %34/6	177 %32/8	32 %5/9	540

100 %							
----------	--	--	--	--	--	--	--

$$X^2 = 45/05 \text{ DF}=5 \text{ SIG}=0/000$$

داده‌های جدول نشان می‌دهد در حالی که تحصیلات همسر 14/9 درصد زنان مورد بررسی در حد بی سواد و خواندن و نوشتن بوده این درصد برای زنان فاقد تجربه همسر ازاری و خشونت به 4 درصد رسید. همچنین 25/6 درصد همسران زنان مورد بررسی و 40 درصد همسران زنان فاقد تجربه همسر ازاری و خشونت دارای مدرک فوق دیپلم و 1/9 درصد همسران زنان مورد بررسی و 10 درصد همسران زنان فاقد تجربه همسر ازاری و خشونت دارای مدرک لیسانس و بالاتر بودند. تجزیه و تحلیل آماری نشان داد، رابطه بین دو متغیر با مقدار 45/05 و درجه آزادی 5 با بیش از 99 درصد اطمینان، معنادار است. با اطمینان بیش از 99 درصد می‌توان گفت افراد دارای سطح پایین تحصیلات بیشتر در معرض همسر ازاری و خشونت هستند.

جدول 13. توزیع جامعه نمونه برحسب وضعیت فرد به تفکیک نوع شغل همسر

نوع شغل همسر / وضعیت فرد	بیکار	کارگر و کشاورز	آزاد غیر حرفه‌ای	کارمند ساده	آزاد حرفه‌ای	کارمند عالی رتبه	کل
دارای تجربه همسر ازاری و خشونت	25 9/3%	48 17/8%	58 21/5%	43 15/9%	81 30%	15 5/6%	270 100%
فاقد تجربه همسر ازاری و خشونت	4 1/5%	25 9/3%	19 7%	59 21/9%	113 41/9%	50 18/5%	270 100%
کل	29 5/4%	73 13/5%	77 14/3%	102 89/9%	194 35/9%	65 12%	540 100%

$$X^2 = 45/05 \text{ DF}=5 \text{ SIG}=0/000$$

داده‌های جدول نشان می‌دهد در حالی که همسر 9/3 درصد از زنان مورد بررسی بیکار بودند این درصد برای زنان فاقد تجربه همسر ازاری و خشونت تنها 1/5 درصد و در حالی که تنها 5/6 درصد همسران زنان مورد بررسی کارمند عالی رتبه (مدیران و معاونان اداری) بودند این درصد برای زنان فاقد تجربه همسر ازاری و خشونت به 18/5 درصد رسید. در مجموع تجزیه و تحلیل آماری نیز با مقدار 66/8 و درجه آزادی 5 رابطه بین دو متغیر را با بیش از 99 درصد اطمینان معنادار نشان داد.

جدول 14. توزیع جامعه نمونه برحسب وضعیت فرد به تفکیک مدت زمان زندگی مشترک

مدت زمان زندگی مشترک / وضعیت فرد	زیر یک سال	یک تا دو سال	سه تا پنج سال	پنج تا ده سال	ده سال و بیشتر	کل
----------------------------------	------------	--------------	---------------	---------------	----------------	----

270 100 %	4 1/5	58 21/1	64 23/7	68 25/2	77 28/5	فاقد تجربه همسر ازاری و خشونت
270 100 %	3 1/1	89 33	67 24/8	54 20	57 21/1	دارای تجربه همسر ازاری و خشونت
540 100 %	7 1/3	146 27	131 24/3	122 22/6	134 24/8	کل

$$X^2=11/8 \text{ DF}=4 \text{ SIG}=0/01$$

داده‌های جدول نشان می‌دهد بیشترین درصد زنان مورد بررسی در گزینه‌های زیر یک سال و یکتا دو سال زندگی مشترک قرار می‌گیرند به طوری که در گزینه زیر یک سال به ترتیب 28 درصد زنان مورد بررسی و 21/1 درصد زنان فاقد تجربه همسر ازاری و خشونت و در گزینه یک تا دو سال زندگی مشترک نیز 25 درصد زنان مورد بررسی در مقابل 20 درصد زنان فاقد تجربه همسر ازاری و خشونت قرار می‌گیرند. همچنین تجزیه و تحلیل آماری نیز نشان می‌دهد رابطه بین دو متغیر با درجه آزادی 4 و مقدار 11/8 در سطح بیش از 99 درصد اطمینان معنادار است.

جدول 15. توزیع جامعه نمونه برحسب وضعیت فرد به تفکیک میزان موافقت با ساختار همسر

ازاری و خشونت

میزان موافقت با ساختار همسر ازاری و خشونت وضعیت فرد	خیلی کم	کم	زیاد	خیلی زیاد	کل
دارای تجربه همسر ازاری و خشونت	35 13	62 23	42 15/6	131 48/5	270 100
فاقد تجربه همسر ازاری و خشونت	130 48/1	68 25/2	69 25/6	3 1/1	270 100
کل	165 30/6	130 24/1	111 20/6	134 24/8	540 100

$$X^2=183/8 \text{ DF}=3 \text{ SIG}=0/000$$

داده‌های جدول نشان می‌دهد هر چه میزان موافقت فرد با هنجارهای همسر ازاری و خشونت ساختار یافته در جامعه بیشتر باشد درصد گروه دارای تجربه همسر ازاری و خشونت بیشتر و در مقابل با کاهش میزان موافقت این درصد کاهش می‌یابد. در گزینه میزان موافقت در حد پایین به ترتیب 13 درصد گروه دارای تجربه همسر ازاری و خشونت و 48 درصد گروه فاقد تجربه همسر ازاری و خشونت و در حد بالا نیز 48 درصد گروه دارای تجربه همسر ازاری و

خشونت و تنها 1 درصد گروه فاقد تجربه همسر ازاری و خشونت قرار گرفتند. همچنین تجزیه و تحلیل آماری نشان داد، رابطه بین دو متغیر با درجه آزادی 3 و مقدار 183/8 درصد بیش از 99 درصد اطمینان معنادار بود.

جدول 16. توزیع جامعه نمونه برحسب وضعیت فرد به تفکیک میزان تنش خانوادگی

میزان تنش وضعیت فرد	خیلی کم	کم	زیاد	خیلی زیاد	کل
دارای تجربه همسر ازاری و خشونت	5 %1/9	9 %3/3	132 %48/9	124 %45/9	270 %100
فاقد تجربه همسر ازاری و خشونت	134 %49/6	124 %45/9	12 %4/4	—	270 %100
کل	139 %25/7	133 %24/6	144 %26/7	124 %23	540 %100

$$X^2 = 443/1 \text{ DF} = 3 \text{ SIG} = 0/000$$

داده‌های جدول نشان می‌دهد در حالی که در حد تنش خیلی زیاد هیچ درصدی به زنان فاقد تجربه همسر ازاری و خشونت اختصاص نیافت این درصد برای زنان مورد بررسی 45/9 درصد و در حد پایین خیلی کم تنش تیز در حالی که تنها 1/9 درصد به زنان مورد بررسی اختصاص یافت درصد فاقد تجربه همسر ازاری و خشونت خورده 49/6 درصد بود. همچنین تجزیه و تحلیل آماری نشان داد رابطه بین دو متغیر با درجه آزادی 3 و مقدار 443/1 با اطمینان بیش از 99 درصد معنادار بود. یعنی با اطمینان بیشتر از 99 درصد می‌توان گفت افراد دارای تنش خانوادگی بیشتر در معرض همسر ازاری و خشونت بودند.

جدول 17. توزیع جامعه نمونه برحسب وضعیت فرد به تفکیک میزان تجربه همسر ازاری و خشونت

میزان تجربه تحمل همسر ازاری و خشونت وضعیت فرد	اصلاً و خیلی کم	کم	تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد	کل
دارای تجربه همسر ازاری و خشونت	187 %69/3	5 %1/9	14 %8/1	22 %8/1	42 %11/5	270 %100
فاقد تجربه همسر ازاری و خشونت	270 %100	—	—	—	—	270 %100
کل	475 %88	5 %0/9	14 %2/5	22 %4	42 %7/8	540 %100

$$X^2 = 118/4 \text{ DF} = 6 \text{ SIG} = 0/000$$

داده‌ها نشان می‌دهد افرادی که قبلاً در خانه پدری تجربه همسر ازاری و خشونت را داشته‌اند بیشتر در معرض همسر ازاری و خشونت قرار می‌گیرند. در گزینه‌های کم، تا حدودی، زیاد و خیلی زیاد در حالی که هیچ درصدی به گروه فاقد تجربه همسر ازاری و خشونت اختصاص نیافت درصد گروه دارای تجربه همسر ازاری و خشونت 1/9، 5/2، 8/1 و 11/5 درصد بود. همچنین تجزیه و تحلیل آماری نشان می‌دهد، رابطه بین دو متغیر با سطح اطمینان بیش از 99 درصد، درجه آزادی 6 و مقدار 118/4، معنادار بود.

جدول 18. توزیع جامعه نمونه برحسب وضعیت فرد به تفکیک میزان هنجارشکنی همسر فرد

میزان هنجارشکنی همسر فرد وضعیت فرد	خیلی زیاد	زیاد	کم	خیلی کم	کل
دارای تجربه همسر ازاری و خشونت	101 %37/4	151 %55/9	9 %3/3	9 %3/3	270 %100
فاقد تجربه همسر ازاری و خشونت	-	-	109 %40/4	161 %59/6	270 %100
کل	101 %18/7	151 %28	118 %21/9	170 %31/5	540 %100

$$X^2=442/6 \text{ DF}=3 \text{ SIG}=0/000$$

داده‌های جدول نشان می‌دهد با افزایش میزان هنجارشکنی همسر درصد گروه دارای تجربه همسر ازاری و خشونت نیز افزایش یافت به طوری که در حد خیلی زیاد و زیاد به گروه زنان فاقد تجربه خشونت و همسر ازاری هیچ درصدی اختصاص نیافت و درصد گروه دارای تجربه همسر ازاری و خشونت 37 و 55 درصد بود. همچنین تجزیه و تحلیل آماده کای اسکوتر با مقدار 472/6، درجه آزادی 3 رابطه بین دو متغیر را معنادار نشان داد.

جدول 19. توزیع جامعه نمونه برحسب وضعیت فرد به تفکیک میزان ضعف اخلاقی همسر (زن)

میزان ضعف اخلاقی زن وضعیت فرد	خیلی کم	کم	زیاد	خیلی زیاد	کل
دارای تجربه همسر ازاری و خشونت	138 %51	59 %21/9	51 %18/9	12 %4	270 %100
فاقد تجربه همسر ازاری و خشونت	270 %100	-	-	-	270 %100
کل	308 %57	59 %10/9	51 %9/4	122 %22/6	540 %100

$$X^2=406/7 \text{ DF}=3 \text{ SIG}=0/000$$

داده‌های جدول نشان می‌دهد در سه گزینه کم، زیاد و خیلی زیاد ضعف اخلاقی زن هیچ درصدی به زنان فاقد تجربه همسر ازاری و خشونت اختصاص نیافت ولیکن درصدهای گروه دارای تجربه همسر ازاری و خشونت 21/9 و 18/9 و

4.6 درصد بود. رابطه بین دو متغیر با آماره کای اسکوتر نشان داد با درجه آزادی 3 و مقدار 406/7 در سطح بیش از 99 درصد معنادار بود.

جدول 20. توزیع جامعه نمونه بر حسب وضعیت فرد به تفکیک میزان ضعف اخلاقی همسر (مرد)

میزان ضعف مرد وضعیت فرد	خیلی کم	کم	زیاد	خیلی زیاد	کل
دارای تجربه همسر ازاری و خشونت	14 %5/2	4 %1/5	130 %48/1	122 %45/2	270 %100
فاقد تجربه همسر ازاری و خشونت	198 %73/3	66 %24/4	6 %2/2	-	270 %100
کل	212 %39/3	70 %13	136 %25/2	122 %22/6	540 %100

$$X^2=449/6 \text{ DF}=3 \text{ SIG}=0/000$$

داده‌های جدول نشان می‌دهد هر چه میزان ضعف اخلاقی همسر فرد زیادتر می‌شد درصد گروه دارای تجربه همسر ازاری و خشونت نیز افزایش می‌یافت به طوری که در حد زیاد و خیلی زیاد به ترتیب 48 و 45 درصد این گروه قرار گرفت این در حالی است که در حد خیلی زیاد به گروه فاقد تجربه همسر ازاری و خشونت درصدی اختصاص نیافت و در حد زیاد درصد آن‌ها 2/2 بود. همچنین تجزیه و تحلیل آماری نشان داد رابطه معناداری بین دو متغیر با درجه آزادی 3 با اطمینان بیش از 99 درصد وجود دارد.

جدول 21. پیش‌بینی متغیر وابسته (همسر ازاری و خشونت) بر اساس رگرسیون چند متغیره لجستیک به روش (Backward)

متغیر مستقل	B	S.E	Wald	DF	Sig	R	EXP
میزان ضعف اخلاقی همسر	-2.3286	0.4957	22.0683	1	0.000	-1.779	0.0974

اگر همسر پاسخگو دارای میزان ضعف اخلاقی در حد خیلی زیاد باشد احتمال بروز همسر ازاری و خشونت خانوادگی برای این فرد با توجه به سطح احتمال بسیار بالا است.

$$Z = (-2.3286 * 1) = -2.3286$$

$$P = 0.88$$

نتیجه‌گیری

این پژوهش با استفاده از روش پیمایشی و بر اساس نظریه ساختار اقتدار انجام شد. این نظریه بیان می‌کند که مردان به دلیل دسترسی بیشتر به منابع کمیاب اجتماعی مانند ثروت، قدرت و اعتبار، در جامعه و خانواده از اقتدار بیشتری برخوردارند. این ساختار اجتماعی باعث ایجاد سلسله مراتبی شده که برتری مردان بر زنان را تثبیت می‌کند. هرگاه این فرادستی مردان به خطر بیفتد، آنها ممکن است از روش‌هایی مانند خشونت برای حفظ موقعیت خود استفاده کنند، چرا که جامعه و ارزش‌های آن تا حدی اعمال خشونت را مجاز می‌دانند. جامعه آماری این پژوهش شامل 270 زن بود که در شش ماه اول سال به دلیل تجربه خشونت فیزیکی به مراکز مشاوره، نیروی انتظامی و دادگاه خانواده مراجعه کرده

بودند. همچنین، 270 زن دیگر که خشونت را تجربه نکرده بودند، به عنوان گروه کنترل انتخاب شدند و از نظر سن، تحصیلات و محل سکونت با گروه آزمایش همسان سازی شدند.

یافته‌های توصیفی نشان داد که 69.6 درصد زنان مورد بررسی ساکن مناطق شهری و 30.4 درصد ساکن مناطق روستایی بودند. از نظر سنی، 24 درصد زنان 15-25 سال، 46 درصد 25-35 سال و 28 درصد 35 سال و بالاتر داشتند. تنها 1.9 درصد بی‌سواد، 15 درصد سواد خواندن و نوشتن، 40 درصد دیپلم و 12 درصد دارای مدرک فوق‌دیپلم و لیسانس بودند. 45.2 درصد زنان فرزندی نداشتند. از نظر نوع خشونت، 42.6 درصد خشونت روانی، 20 درصد خشونت جسمی و 16 درصد خشونت کلامی و رفتاری را تجربه کرده بودند. اعتیاد، فقر، بیکاری و فرهنگ پدرسالاری به عنوان عوامل اصلی خشونت خانوادگی شناسایی شدند.

یافته‌های تبیینی نشان داد که متغیرهایی مانند سن ازدواج، تفاوت سنی زوجین، مدت زندگی مشترک، سطح پایگاه اجتماعی، تحصیلات و شغل همسر، هنجارشکنی و ضعف اخلاقی همسر، موافقت زن با هنجارهای خشونت‌آمیز و تنش خانوادگی با خشونت خانوادگی رابطه معنادار داشتند. به عنوان مثال، 26.7 درصد زنان خشونت‌دیده در سن 15 سال یا کمتر ازدواج کرده بودند، در حالی که این رقم برای زنان بدون تجربه خشونت تنها 1.9 درصد بود. تفاوت سنی بیش از 10 سال در 24.4 درصد زنان خشونت‌دیده مشاهده شد، در حالی که این مورد در زنان بدون تجربه خشونت وجود نداشت. زنان خشونت‌دیده بیشتر در طبقات اجتماعی پایین قرار داشتند و همسرانشان اغلب بیکار یا کارگر بودند. 48.5 درصد زنان خشونت‌دیده با هنجارهای ساختاری خشونت موافق بودند و 69.3 درصد سابقه قبلی خشونت را گزارش کردند.

نظریه‌های مرتبط با این پژوهش شامل نظریه ساختار اجتماعی و منابع، نظریه یادگیری اجتماعی و نظریه فرهنگی بودند. نظریه ساختار اجتماعی و منابع بیان می‌کند که نابرابری در دسترسی به منابع و اهداف، فشار را افزایش می‌دهد و منجر به رفتارهای ناهنجار مانند خشونت می‌شود. نظریه یادگیری اجتماعی تأکید می‌کند که رفتارهای خشونت‌آمیز از طریق مشاهده و تقلید، به ویژه در دوران کودکی، آموخته می‌شوند. نظریه فرهنگی نیز اشاره می‌کند که در فرهنگ‌هایی که مردسالاری و پرخاشگری مردان ارزش محسوب می‌شود، خشونت علیه زنان بیشتر است.

نتایج نهایی پژوهش نشان داد که ضعف اخلاقی مردان قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده خشونت خانوادگی بود. اگر همسری در حد بسیار زیاد دارای ضعف اخلاقی باشد، احتمال 99 درصدی برای بروز خشونت خانوادگی وجود دارد. عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مانند فقر، بیکاری، فرهنگ پدرسالاری و نابرابری در دسترسی به منابع، نقش مهمی در بروز خشونت خانوادگی ایفا می‌کنند. این پژوهش نشان می‌دهد که برای کاهش خشونت خانوادگی، باید به اصلاح ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه توجه کرد و راه‌حلهایی برای کاهش نابرابری‌ها و تقویت نظارت اجتماعی ارائه داد.

فهرست منابع

- ارونسون، الیوت (1369)، روانشناختی اجتماعی، ترجمه حسین شکرکن، انتشارات رشد.
- فروم، اریش (1361)، هنر عشق ورزیدن، ترجمه پوری سلطانی، انتشارات مروارید.

- اشراقی، محمد، (1385)، نگاهی جامعه‌شناختی به پدیده خشونت علیه زنان (مطالعه موردی اصفهان)، علوم اجتماعی دانشگاه آزاد شوشتر، زمستان، شماره 2.
- اعزازی، شهلا، (1380)، جامعه‌شناسی خانواده، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- اعزازی، شهلا (1380)، همسر‌آزاری و خشونت خانوادگی: زنان مورد بررسی، تهران: انتشارات سالی، 1380.
- اعظم‌آزاده، منصوره، دهقان فرد، راضیه (1385)، خشونت علیه زنان در تهران رابطه بین جامعه‌پذیری جنسیتی، منابع در دسترس زنان و روابط خانوادگی، پژوهش زنان، دوره 4، بهار و تابستان، شماره 1 و 2.
- ال‌همپتون، رابرت و همکاران (1388)، خشونت خانواده، پیشگیری و درمان، ترجمه داود کربلایی، محمد میگونی. تهران: نشر آفرینش.
- آیت‌اللهی، زهرا (1381)، خوش‌رفتاری با زنان (نفی همسر‌آزاری و خشونت علیه زنان). تهران
- باقرپور، ایرج، روان درمانی برای همه، ص 59 و 60.
- بختیاری، افسانه، امیدبخش، نادیا (1382)، بررسی علل و آثار خشونت علیه زنان در خانواده در مراجعین به مرکز پزشکی قانونی بابل، پزشکی قانونی، پاییز، شماره 31.
- بگ رضایی، پرویز (1383)، بررسی عوامل موثر بر میزان خشونت مردان نسبت به زنان در خانواده، فرهنگ ایلام، تابستان و پاییز، شماره 18 و 19.
- بیرو، آلن (1377)، دایره المعارف علوم اجتماعی، تهران: کیهان.
- پورقاز، عبدالوهاب، رقیبی، مهوش (1383)، بررسی نوع و عوامل خشونت خانگی علیه زنان در بین قبایل ترکمن استان گلستان، علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال اول، اسفند، شماره 1.
- پورنقاش تهرانی، سید سعید (1384)، بررسی خشونت خانوادگی در خانواده‌های تهرانی، دانشور رفتار، دانشگاه شاهد، سال دوازدهم، شماره 13.
- حسن، معصومه و دیگران (1389)، خشونت خانگی علیه زنان باردار شیوع و علل مرتبط، زن و جامعه، سال اول، زمستان، شماره 4.
- حسینی، حسن (1385)، جامعه‌شناسی نظام گسیختگی خانواده و طلاق
- حنایی کاشانی، محمد سعید (بی تا)، پرسش از تکنولوژی و همسر‌آزاری و خشونت، ماهنامه کیان، ش 45، ص 123.
- حیدری، فاضل، دلخوش، نرگس (1384)، بررسی اشکال خشونت خانوادگی در خانواده‌های نظامیان، ره‌آورد مدیریت نظامی، شماره 17 و 18.

- خاقانی فرد، میترا (1390)، بررسی نقش خشونت علیه زنان، جامعه‌پذیری جنسیتی و سرمایه‌های اجتماعی در پیش‌بینی سلامت روان گروهی از زنان شهر تهران، مطالعات اجتماعی و روانشناختی زنان، سال نهم، پاییز، شماره 2.
- رام پناهی، اعظم (1384) همسر آزاری و خشونت علیه زنان و بازتاب آن در مطبوعات. تهران
- رحمتی، محمدصادق (بی تا)، روان شناسی اجتماعی معاصر، ص 53.
- رفیعی فر، شهرام و سعید پارسى نیا (1380) و همسر آزاری و خشونت علیه زنان
- روزنامه جام جم، تاریخ 7 آبان، 1383، ص 16.
- روی، ماریا (1377). زنان دارای تجربه خشونت و همسر آزاری (روانشناسی همسر آزاری و خشونت در خانواده). ترجمه مهدی قراچه داغی
- رئیسی سرتشنیزی، امرا... (1381)، خشونت علیه زنان و عوامل مؤثر بر آن مطالعه موردی شهرستان شهرکرد، پژوهش زنان، بهار، شماره 3.
- زنگنه، محمد (1379)، عوامل مؤثر بر همسر آزاری و خشونت علیه زنان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی شیراز: بخش جامعه‌شناسی.
- سروریان، محمد کمال (1383)، همسر آزاری و خشونت علیه زنان در فرانسه و آمریکا، فصلنامه کتاب زنان، تهران: دبیرخانه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، شماره 23.
- سلیمانی، محمد (1385). سیر تاریخی همسر آزاری و خشونت علیه زنان
- سوره روم آیه 21.
- صالحی، ابراهیم، صالحی، صادق (1384)، بررسی عوامل مؤثر بر خشونت مردان نسبت به زنان در استان مازندران، علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال دوم، شهریور، شماره 2.
- طاهرخانی، سکینه و دیگران (1388)، بررسی میزان خشونت خانگی علیه زنان و ارتباط آن با مشخصات زوجین، پزشکی قانونی، دوره 15، تابستان، شماره 2.
- عارفی، مرضیه (1382)، بررسی توصیفی خشونت خانگی علیه زنان در شهر ارومیه، مطالعات زنان، تابستان و پاییز، شماره 2.
- عباس‌زاده، محمد و دیگران (1389)، خشونت خانگی، تهدیدی علیه سلامت روانی مطالعه جامعه‌شناختی زنان متاهل شهر تبریز، مطالعات امنیت اجتماعی، شماره 24.
- علی‌وردی‌نیا، اکبر و دیگران (1389)، تبیین نگرش دانشجویان دختر نسبت به خشونت علیه زنان آزمون تجربی دیدگاه یادگیری اجتماعی، مسایل اجتماعی ایران، سال اول، تابستان، شماره 1.

- غضنفری، فیروزه (1389)، رابطه‌ی الگوی روابط خانوادگی و خشونت خانواده علیه زنان در استان لرستان، بهداشت روانی، سال دوازدهم، تابستان، شماره 2.
- کرچفیلد، ریچارد اس؛ کرچ، دیوید و بلاکی، رجرتون ال (1347)، فرد و اجتماع، ترجمه محمود صناعی، انتشارات زوار.
- لغتنامه دهخدا، ج 7، ص 18329 و فرهنگ معین، ج 1، ص 1425.
- لهاسی‌زاده، عبدالعلی، مدنی، یوسف (1389)، گرایش شوهران به خشونت علیه همسران مطالعه موردی شهر شیراز، زن و جامعه، سال اول، بهار، شماره 1.
- لیاقت، غلامعلی (1384)، خشونت علیه زنان در خانواده (تحقیقی در تهران)، علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، سال دوم، بهار، شماره 5.
- مجله پیام زن، سال نهم، ش 5، ص 57.
- مجله پیام زن، ش 10، ص 21.
- مجله حقوق زنان، ش 4، ص 70.
- محبی، سیده فاطمه (1380)، آسیب‌شناسی اجتماعی زنان: همسر آزاری و خشونت علیه زنان، فصلنامه کتاب زنان، تهران: شورای فرهنگی - اجتماعی زنان.
- محسنی تبریزی، علیرضا (1374)، بررسی وندالیسم در تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
- محسنی تبریزی، علیرضا (1379)، مبانی نظری و تجربی وندالیسم: مروری بر یافته‌های یک تحقیق، نامه علوم اجتماعی، شماره 16.
- محمدی، فائزه، میرزائی، رحمت (1391)، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت علیه زنان (مطالعه شهرستانروانسر)، مطالعات اجتماعی ایرانیان، سال پنجم، زمستان، شماره 4.
- مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، ص 262.
- معتمدی مهر، مهدی (1380)، حملیت از زنان در برابر همسر آزاری و خشونت، تهران: زیتون.
- مفید، الارشاد ج 1، ص 173.
- ملکی، امیر، نژادسبزی، پروانه (1389)، رابطه مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی خانواده با خشونت خانگی علیه زنان در شهر خرم‌آباد، مسائل اجتماعی ایران، سال اول، تابستان، شماره 2.